

«لقد كان في يوسف وأخوته آيات للسائلين»

بررسی تحلیلی و کاربردی با بیش از سیصد پرسش و پاسخ پیرامون
داستان حضرت یوسف (ع) و برادران
یا روایتی از

آنانکه طاقت ستاره شدند

به انضمام مقایسه
اعجاز ادبی و هنری در بیان قرآنی داستان حضرت یوسف (ع)

تحقیق و نگارش: مهدی مجاهدی

سرشناسه	: مجاهدی، مهدی، ۱۳۳۷-
عنوان و نام پدید آور	: بررسی تحقیقی و کاربردی با بیش از سیصد پرسش و
پاسخ	پیرامون داستان حضرت یوسف (ع) و برادران یا روایتی از
آنانکه	عاقبت ستاره شدند به انضمام مقاله اعجاز ادبی و هنری در
بیان	قرآنی داستان حضرت یوسف (ع) با تحقیق و نگارش
	مهدی مجاهدی.
مشخصات نشر	: یزد: توز و قلم، ۱۳۹۳.
مشیت ماهری	: ۳۶۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۵۳-۰۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: یوسف پیامبر - داستان
موضوع	: قرآن - قصه ها - پرسش ها و پاسخ ها
موضوع	: قرآن - سوره ها - نقد و تفسیر
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱/۲۲/۳۶/۸۸ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷.۵۶
شماره کتاب شناسی ملی	: ۳۴۳۴۳۰۱



انتشارات توز و قلم

آنانکه عاقبت ستاره شدند

نگارنده: مهدی مجاهدی

ناشر: انتشارات توز و قلم - چاپ: چاپ قلم

طراحی و امور فنی: گروه توز و قلم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: یزد - خیابان مطهری - ۸ متری حافظ حافظ ۳ - پلاک ۶ تلفن: ۵۲۲۰۰۰۷ - فاکس: ۵۲۲۰۰۰۸

فهرست مندرجات

۱	پیشگفتار
۸	خلاصه داستان
۲۱	بررسی آیات
۳۲۹	مقاله اعجاز ادبی و هنری در بین رانی داستان حضرت یوسف (ع)

بسمه تعالی

پیشگفتار مؤلف:

آنان که شبیخون فرهنگی را باور داشته و آثار زخم دشنه های نامرئی آن را می بینند، برای مقابله هم راهکارهایی دارند. راهکارهایی که با وجود ظاهری متنوع و متفاوت، مشترکاتی نیز با هم دارند. برآیند همه آنها، این مطلب است که برای مقابله بدی، کاری اساسی باید کرد و بهترین کار اساسی در حال حاضر بازگشت به خویشتن و تحکیم باورهای خودی است. «لزوم کار قرآنی به ویژه در رابطه با جوانان». عبارتی است که همگان بر آن اتفاق نظر داشته و بارها آن را شنیده و یا خوانده ایم. اما سوال اینجاست که در زمینه عملی کردن این نظر چه باید کرد؟ و بهترین گزینه در این رابطه چیست؟ کمبود استاد و مفسر و خطر تفسیر به رأی و انحراف را با جلسات تفسیر خودی، تا حدی می توان مرتفع نمود. اما با توجه به محدودیت زمان و ضرورت دستیابی به چه سریع تر به اهداف کلی و بنیادی، سؤال بعدی این خواهد بود که از معادله تفسیری، کدام اولویت دارند و سریع تر ما را به تحکیم باورها می رسانند؟ چنین به نظر می رسد که برای شروع کار، داستان های قرآنی با ویژگی هایی که دارند بهترین گزینه برای این رابطه اند.

آنچه یک مفهوم اعتقادی را تبدیل به باور قلبی و یقین می نماید، تجربیات و شهودهای شخصی هر انسانی از این مفاهیم است. به عبارت دیگر انسانها آنگاه که آثار وضعی هر عملی را در زندگانی خود تجربه کردند و در حلقه درک و فهم یک پیام و دستور دینی به مرحله باور و یقین به آن گام می نهند و مسلماً وقتی آرامش قلب حاصل از ذکر خداوند و یا معیشت سخت ناشی از اعراض از ذکر و آثار وضعی نماز اول وقت، صدقه، صله رحم و ... در زندگی انسان ها مشاهده می شود، این مشهودات، باور و یقین قلبی را ایجاد و تقویت می نماید. اگر پیامبر بزرگوار چون حضرت ابراهیم خلیل الله، تجربه عینی معاد را از خداوند می طلبید که در برابر او ذبح چهار پرنده و ... در قرآن کریم آمده است و یا اگر حواریون تجربه مائده آسمانی را از حضرت عیسی مسیح (ع) خواستارند، هدف از هر دو مورد در این درخواست ها، اطمینان قلبی و یقین بیشتر در قرآن کریم بیان می گردد. از این رو نقش تجربه در تقویت باورها غیر قابل انکار می نماید. داستان های قرآن از آن جهت که نقل تجربیات و واقعیات، و به عبارتی تحقق عینی و عملی وعده های الهی است، نقش اساسی در تحکیم قلوب و باورها دارد، تا آن جا که خداوند خطاب به رسول اکرم اسلام هم می فرماید: «هدف ما از نقل داستان ها، آرامش خاطر و ثبات قلبی

توست»^۱. وقتی نقل داستان‌ها چنین تأثیری برای شخص پیامبر (ص) می‌تواند داشته باشد، تأثیر آن در تحکیم باورهای دینی جوانان نیز امری مسلم خواهد بود. عمر انسانی گنجایش هر آزمون و خطا و هر تجربه‌ای را ندارد، سرگذشت‌های دیرگزان در حقیقت الگوهای تجربی ماست. داستان‌های قرآنی از آن جا که راوی آن خواننده از زندگانی و سرگذشت‌های واقعی و حقیقی حکایت می‌نماید، بهترین الگوی تجربی و تربیتی است که می‌تواند در راستای تحکیم باورها کارآمدی داشته باشد.

با این که می‌توانیم داستان‌های قرآنی همه نیکو و از بهترین داستان‌هاست، سؤال بعدی اینست: «چگونه باید که کدام یک از این داستان‌ها برای شروع کار قرآنی در رابطه با جوانان، مناسب‌تر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود. بهترین گزینه در این زمینه، داستان زندگی حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم است، زیرا داستان جامع و کامل یک زندگی و بنا به تفاسیر پیشین در قرآن کریم دارای آیات، نکات، عبرت‌ها و پندهائی شایان توجه می‌باشد»^۲ «... یوسف فی یوسف و اخوته آیات للسلالین». هر داستانی دارای دو وجه «چگونگی» و «چرایی» است. نقلی که چگونگی محور باشد بیشتر به حوادث و وقایع داستان توجه دارد و به انحاء گوناگون آنرا بیان می‌دارد. در نقل چرایی محور به علت و حکمت و آثار و اعمال و وقایع پرداخته و علاوه بر بیان داستان به تبیین و تحلیل و تعیلل و بیان می‌پردازد. نقل چگونگی در حد ضرورت و توجه بیشتر به چرایی و تحلیل و تبیین آنرا در دست‌یابی به هدف تحکیم باورهاست.

عبرت‌اندوزی و تفکر که از اهداف بیان داستان‌ها در قرآن کریم ذکر شده، وقتی در بستر شیرین نقل وقایع قرار گیرد، جذابیت خاص خود را دارد. این جاذبه با طرح پرسش و ایجاد نیاز و عطش دانستن، دو چندان می‌گردد و انگیزه حضور در جلسات تفسیر را بیشتر می‌نماید. از مزایای دیگر نقل داستان، امکان مکر و اظهار نظر تمامی اقشار در رابطه با پندها و عبرت‌های پیش آمده در داستان است، از این رو مشارکت همگانی بیشتری را شاهد خواهیم بود و این به تبع خود در رشد، تقویت و تثبیت باورها تأثیر به سزائی خواهد داشت و چنانچه قبل از تشکیل جلسات، سؤالات مطرح و در اختیار همگان قرار گیرد، میزان اثر بخشی‌های فوق، افزون‌تر خواهد بود. در مواردی خاص می‌توان اشاراتی به دیگر آیات و معارف قرآنی

مرتبط با سؤال مطرح شده داشت که در این صورت با حفظ جذابیت از طریق حفظ چهارچوب داستانی، بر غنای مطالب مطرح شده در جلسات نیز افزوده می گردد.

کتاب حاضر حاصل جلساتی چندین ساله در این رابطه است که با رعایت روش و مطالب بیان شده در فوق برگزار گردید. تنها کتابی که در ابتدا ادعا می نماید هر نقص و عیب و ایرادی در آن نمی توان یافت، از آن کسی است که از هر عیب و نقص بگریزاند و آن تنها قرآن کریم می باشد. تا کنون مشاهده نگردیده که کسی ادعای کمال و بی عیب بودن اثر خود را داشته باشد، این نوشتار نیز از این ماجرا مبری نیست و در انتظار راهنمایی و ارشادات مؤثر اساتید و صاحب نظران بزرگوار می باشد.

بیش از تفسیر و ترویجی موجود، از سوره مبارکه یوسف (ع)، کتاب و تفسیر داریم. دلیل آن هم جذابیت هر خاص این سوره مبارکه برای مفسران بزرگوار است که توفیق تفسیر کلام سوره را نداشته اند. هر اثر تازه و جدید در یک موضوع می تواند تکراری نبوده و برای خود حرف های تازه ای هم داشته باشد. کاربردی تر نمودن مفاهیم داستانی و تفسیری است که از ابتدا در این نوشتار مورد نظر بوده است. هر نوشتاری تازه، حاصل جستجو، بررسی و دانش اندوزی از آثار علما و اساتیدی است که در آن موضوع آثاری از خود بیادگار گذاشته اند. این نوشتار نیز برآیندی از آن آثار است و به جاست که بر هر واژه و کلمه ای که آن زیرنویسی از نام و آثار تمامی آن اساتید و علما نگاشته شود، اما چنین کاری ممکن نیست، حداقل رعایت امانت گردیده و هر نقل تازه و خاصی که در تفسیری موجود و نقل گردیده، با ذکر نام، مشخص گردیده است. نیاز به بیان آنجا که آنچه در این مجموعه آمده، مقدمه ای است که می تواند در آینده به وسیله خود داستان یا دیگر علاقمندان تکمیل تر گردد و هر چند به عمق این بحر بی پایان نرسد و به کفش از زوایای دیگر، پرسش های بیشتری طرح شود.

در ابتدا شرح داستان آمده که تنها بر اساس روایت قرآن کریم و بدون توجه به نقل های مختلف پیرامون وقایع داستان است. ترجمه لغات و عبارات از ترجمه قرآن جناب استاد ابوالفضل بهرامپور و ترجمه فارسی آیات مبارکه سوره یوسف (ع) که در ابتدای بررسی هر آیه آمده از مفسر گرانقدر حجه الاسلام و المسلمین قرائتی است.

از کلیه بزرگوارانی که در تدوین و طبع این اثر همکاری نموده اند به ویژه استاد یدالله راحمی به خاطر ویراستاری و خانم فاطمی برای همکاری در نشر و چاپ

تشکر و سپاسگزاری می گردد. نقش مؤثر همسر، خانواده و اطرافیان در ایجاد هر اثر، موجبات سپاسگزاری ویژه از آنان را ایجاد می نماید. مسلماً در صورت قبولی این اثر در بارگاه الهی، حاشا از کریمی ذات بی همتایش که نظر لطفی به شریک روزگار و همسر مرحومه حقیر حاجیه خانم فروزانی نداشته باشد که عمری در فراز و نشیب های زندگی سالانه همراهی داشت و اینک چندی است که از رنج جانکاه بیماری لاعلاج و اندوه فاجعه ایسرزدناک آسوده است.

مانچه این اثر به میزان مثقال ذره خیری در بارگاه الهی پذیرفته شود، ساده دلاسه می خوانم. ثواب آن را به پیشگاه قدسی همه انبیاء و اولیاء، به ویژه این دو پدر و پسر حضرت یعقوب (ع) و حضرت یوسف (ع) تقدیم دارم و برای این امر روح والدین گرامی حاج محمد مجاهدی و حاج عبدالمحمد مجاهدی را نیز برای وساطت و شراکت تقدیم می کنم. بهره مندی از این اهدایی به یاری می طلبم، مادر که همنشین همیشگی من و مادر که اولین آشنائی ام با قرآن کریم در کودکی، تلاوت های دلنشین صحیفه ی ربوبه بود، هم او که محب و مدیحه سرای اهل البیت (ع) بود. این بخش را با یک در بیتی در دل سروده های آن مرحوم به پایان می برم که می دانم سرآغاز و اساس نیایش همه مسلمانان است.

بر عصیانم چوگیری، وای بر من
بر عذر من ناپذیری، وای بر من
نیم در بندگی مانند یوسف
در دستم نگیری، وای بر من

به امید پذیرش این و قبول خاطر مؤمنان
مستحق اهدای